

Examining the Meaning of the Phrase “Like a Jenayat” in the Islamic Penal Code

Abbas Mohammadkhani^{1*}, Majid Sadeqnejad Naini²

1. Associate ProfessorT Criminal law and Criminology Department , Faculty of Laq and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran.

2. Assistant professorand faculty member, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Abstract

The phrase “like a Jenayat” in the Islamic Penal Code is one of the ambiguous concepts that have been interpreted differently. According to the opinion accepted in this article, the said phrase does not refer to the method of committing the “Jenayat” and has nothing to do with it; Also, the above-mentioned phrase refrains from discussing the Mistake in the purpose, and it cannot be considered that theMistake in the purpose is intentional by referring to it. The accuracy of the phrase like a Jenayat shows that the opinion of the legislator is similar to the intent of the perpetrator of the crime, and therefore, in the crime of murder, which has no equivalent, such a phrase will have no meaning and can only be imagined in a crime against the body part. ; In such a way that if the perpetrator intends to destroy or injure a specific body part, but a body part similar to the intended body part is destroyed or injured, the committed crime will be intentional. Also, the criterion for distinguishing the said phrase is only custom; In such a way that the custom considers the intended crime and the actual crime to be so similar that the intention of each is considered sufficient instead of the other. Like when the perpetrator intends to blind the victim’s left eye, but his left eye becomes blind. Therefore, if the perpetrator intends to commit a serious crime, but the actual crime is milder than that, the actual crime cannot be considered intentional because he intended to commit a more serious crime. Like if he intends to blind the victim’s eyes, but in practice his behavior causes the victim’s knuckles to be cut off. The type of research in this article is descriptive-analytical, which after expressing different views about the concept of like a Jenayat, analyzes them and finally comes to the conclusion that, in the crime of murder, which has no equivalent, such a phrase will have no meaning and can only be imagined in a crime against the body part. Also, the criterion for distinguishing the said phrase is only custom; In such a way that the custom considers the intended crime and the actual crime to be so similar that the intention of each is considered sufficient instead of the other.

Keywords: Crime, Such as Crime, Murder, Crime Against a Member, Mens Rea

* Corresponding Author: a.mohammadkhani@ilam.ac.ir



Article Type:

Original Research


Pages: 165-183

Received: 2023 September 03

Revised: 2023 November 15

Accepted: 2024 April 20



 This is an open access article under the CC BY licens.

بررسی مفهوم عبارت «نظیر جنایت» در قانون مجازات اسلامی

عباس محمدخانی^{۱*}، مجید صادق نژاد نایینی^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

چکیده

عبارت «نظیر جنایت» در قانون مجازات اسلامی از مفاهیم مبهمی است که تفاسیر متفاوتی از آن صورت گرفته است. مطابق نظری که در مقاله حاضر پذیرفته شده است، عبارت مزبور ناظر به روش تحقق جنایت نیست و ارتباطی به آن ندارد؛ همچنان که عبارت مزبور از بحث اشتباه در هدف نیز منصرف است و نمی‌توان با استناد به آن، خطای در هدف را عمدی دانست. دقت در عبارت نظیر جنایت نشان می‌دهد که نظر قانونگذار به نظیر و مشابه جنایت مقصود مرتکب است و لذا در جرم قتل که نظیر و مشابهی ندارد، چنین عبارتی فاقد معنا خواهد بود و تنها می‌توان آن را در جنایت بر اعضاء تصور نمود؛ به این صورت که اگر مرتکب قصد از بین بردن یا صدمه به عضوی خاص را داشته باشد، اما عضوی مشابه عضو مورد قصد از بین بردن یا صدمه ببیند، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود. همچنین، معیار تشخیص عبارت مزبور، تنها عرف است؛ بطوری که عرف جنایت مقصود و جنایت واقع شده را چنان مشابه بداند که قصد هر یک به جای دیگری را کافی به حساب آورد. مانند آنکه مرتکب قصد کور کردن چشم چپ قربانی را داشته باشد، اما چشم چپ وی نابینا شود. بنابراین، اگر مرتکب قصد ارتکاب جنایت شدیدی کند، اما جنایت واقع شده خفیف‌تر از آن باشد، نمی‌توان به دلیل این که وی قصد جنایت شدیدی را داشته است، جنایت واقع شده را عمدی دانست. مانند آنکه وی قصد کور کردن چشم قربانی را داشته باشد، اما در عمل رفتار او موجب قطع شدن بند انگشت قربانی گردد. نوع تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است که پس از بیان دیدگاه‌های مختلف راجع به مفهوم نظیر جنایت، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در جرم قتل که نظیر و مشابهی ندارد، چنین عبارتی فاقد معنا خواهد بود و تنها می‌توان آن را در جنایت بر اعضاء تصور نمود. همچنین، معیار تشخیص عبارت مزبور، تنها عرف است؛ بطوری که عرف جنایت مقصود و جنایت واقع شده را چنان مشابه بداند که قصد هر یک به جای دیگری را کافی به حساب آورد.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۸۳-۱۶۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: جنایت، نظیر جنایت، قتل عمدی، جنایت بر عضو، عنصر روانی

درآمد

قانونگذار ایرانی در سال ۱۳۹۲ و در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی اقدام به جعل مفهوم «نظیر جنایت» نمود؛ بدون آنکه چنین امری در قوانین قبل و بعد از انقلاب، سابقه‌ای داشته و یا حتی در منابع فقهی مورد تصریح قرار گرفته باشد. در حقیقت، واژه نظیر، در مصوبه نخست مجلس شورای اسلامی وجود نداشت و متعاقب ایراد و پیشنهاد شورای نگهبان در سال ۱۳۹۱ و در رفت و برگشت لایحه مجازات اسلامی، عبارت «جنایت مقصود» به عبارت کنونی تغییر یافت و لذا این اصلاح در واقع پیشنهاد شورای نگهبان بوده است. (قانون مجازات اسلامی در پرتو نظرات شورای نگهبان، ص ۱۰۹). مطابق بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

همانطور که ملاحظه می‌گردد قانونگذار، تحقق «نظیر» جنایت قصد شده را نیز عمده دانسته است. این مطلب که در بندهای دیگر همان ماده تکرار شده و در تعریف قتل شبه عمده در بند الف ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی نیز مورد تأکید مجدد قرار گرفته است، مبهم و قابل انتقاد است؛ امری که می‌تواند منجر به تعارض آراء و تضییع حقوق افراد شود. مطابق مواد فوق، اگر فردی قصد ایراد جنایتی را داشته باشد، اما نظیر آن جنایت واقع شود، جنایت مزبور عمده خواهد بود. بر همین مبنا، جنایت شبه عمده، جنایتی است که مرتکب نه قصد نتیجه واقع شده و نه نظیر آن را نداشته باشد. اما مراد از نظیر جنایت چیست و عبارت مزبور را چگونه باید تفسیر نمود؟

دقت در تألیفات حقوق دانان ایرانی نشان می‌دهد که چهار نظر در این مورد وجود دارد: (۱) نظری که عبارت فوق را ناظر به روش تحقق جنایت می‌داند به این معنا که اگر مرتکب تحقق جنایت با روشی خاص را قصد کند و همان جنایت از طریق دیگر واقع شود، جنایت

عمدی محقق نخواهد شد؛ ۲) دیدگاهی که آن را موجب عمدی شدن اشتباه در هدف می‌پندارد و لذا مطابق این نظر، جنایت ناشی از اشتباه در هدف در حقوق ایران عمدی خواهد بود؛ ۳) نظری که با رد دو دیدگاه بیان شده معتقد است که عبارت نظیر جنایت تنها در جنایات بر عضو مؤثر است و نمی‌توان آن را در قتل عمدی که نظیر و مشابه ندارد، تصور نمود؛ و ۴) در نهایت دیدگاهی که علاوه بر مورد اخیر، آن را به جنایات خفیف‌تر از جنایات مقصود نیز تسری می‌دهد. در ادامه دیدگاه‌های مزبور را بررسی کرده و به نقد آن‌ها خواهیم نشست.^۱

دیدگاه اول: نظیر جنایت ناظر به روش تحقق جنایت

برخی از حقوق دانان عبارت نظیر جنایت در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی را ناظر به طریقه تحقق جنایت می‌دانند. بر مبنای این نظر، اگر فردی قصد کشتن دیگری به صورتی خاص را داشته باشد، اما مرگ قربانی به صورتی کاملاً برخلاف نظر او اتفاق افتد، قتل واقع شده عمدی نخواهد بود، زیرا چنین مرگی داخل در قصد وی نبوده است (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۶۵). بر این مبنای: اگر فعل واقعه هیچگونه ارتباط و مدخلیتی در فعل قصد شده نداشته باشد، عمد ثابت نخواهد بود. زیرا قتل به فعل مقصود حاصل نشده است. پس اگر کسی چارپایه فلزی را در زیر آب استخر قرار دهد و دیگری بدون اطلاع از آن، به قصد قتل کودکی را در آب پرتاب کند تا غرق شود، لکن به طور اتفاقی به چهارپایه برخورد کرده ضربه مغزی شود و بمیرد، وی قاتل عمد نخواهد بود و تنها محکوم به پرداخت دیه و تعزیر است. زیرا وی این نحو از جنایت را به صورت صریح و یا به طور

۱. شایان ذکر است، برخی نویسندگان در این موضوع ورود پیدا نکرده و صرفاً به بحث لزوم انتساب به طور کلی اشاره نموده‌اند و فرض مزبور را مورد بحث قرار نداده‌اند. مطابق این دیدگاه، برای تحقق جنایت، وجود رابطه انتساب عرفی بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله لازم و کافی است و بدون وجود رابطه انتساب، ضمان منتهی است و حتی در جنایات بالمباشرة غیرعمدی، با وجود انتساب، نیازی به احراز عنصر تقصیر نیست. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ص ۱۴۴.

ضمنی قصد نکرده است (همان: ۱۶۷).

مبنای این نظر، دیدگاه فقیهانی است که تحقق جنایت به صورتی متفاوت از قصد مرتکب را موجب غیرعمدی دانستن آن می‌دانند. برای مثال، برخی از فقیهان معتقدند که اگر مرتکب با پرتاب مجنی علیه از بلندی، قصد مرگ وی در اثر برخورد با زمین را داشته باشد، ولی مجنی علیه قبل از برخورد با زمین، در اثر ترس قالب تهی کند و یا اینکه با سیم‌های برق برخورد کرده و کشته شود، جنایت واقع شده عمدی نخواهد بود، زیرا قاتل هر چند قصد کشتن قربانی را داشته است، اما این نوع کشتن را قصد نموده است (محقق، ۱۴۰۹: ۹۷۴)؛ همانطور که اگر قبل از رسیدن به زمین توسط دیگری کشته می‌شد نیز قاتل با تمام ارکان آن به شخص دوم و نه پرتاب‌کننده، منتسب می‌گشت (رک: طوسی، ۱۴۱۷: ۱۶۳).^۱ زیرا زمانی که مرگ به صورتی جدای از قصد مشخص مرتکب واقع گردد، مانند آن است که بدون قصد اتفاق افتاده باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۸۰). برخی دیگر نیز معتقدند اگر مرتکب، قربانی را برای غرق شدن در دریا اندازد و وی طعمه حیوانات دریایی شود، قتل واقع شده عمدی خواهد بود؛ برخلاف حالتی که قبل از افتادن قربانی در آب، به سنگ یا نظیر آن برخورد کرده و فوت کند که در آن صورت، جنایت عمدی محقق نخواهد شد (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۱۳).

در مقابل، پاره‌ای دیگر از فقیهان چنین قتلی را عمدی دانسته‌اند، زیرا مرگ در اثر رفتار مرتکب واقع شده و تفاوت در خصوصیات مرگ، قتل عمدی را منتفی نخواهد کرد (خویی، ۱۳۹۶: ۱۰)، مانند آنکه مرتکب مجنی علیه را با قصد قتل از مکانی بلند پرتاب کند، ولی قبل از برخورد با زمین در اثر ترس فوت نماید یا به قصد قتل وی را در دریا اندازد و قبل از افتادن در آب طعمه حیوانات دریایی گردد (خویی، ۱۳۹۶: ۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۶۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۴۶۴).

۱. برخی از فقیهان بین حالتی که بزه دیده قبل از وصول در آب توسط یک حیوان کشته شود با حالتی که پس از افتادن در آب چنین شود، تفاوت گذاشته و با وجود آنکه تحقق قتل در مورد اول را دارای اشکال دانسته‌اند، در مورد دوم قاتل به تحقق قتل هستند. رک. فاضل اصفهانی، کشف اللثام، ج ۱۱، ص ۲۵ - ۲۴. همچنین، برای دیدن نظری که در حالت اول، ضمان را ترجیح داده است، رک. شهید اول، القوائد و الفوائد، ج ۱، ص ۲۸۹.

نقد و بررسی

حقیقت آن است که در تمامی مثال‌های بیان شده در فوق، جنایت عمدی واقع شده است، زیرا برای تشکیل یک جنایت عمدی، قصد مرتکب در کشتن قربانی کافی در تحقق سوءنیت اوست؛ بدون آنکه قصد کشتن به صورتی خاص، دارای اهمیت باشد.^۱ برای تحلیل این امر لازم است که رابطه بین عنصر روانی و عنصر مادی تحلیل شود. در جرایم مقید به نتیجه، عنصر روانی به اجزاء عنصر مادی (و از جمله، نتیجه) تعلق می‌گیرد؛ امری که در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی نیز به روشنی قابل مشاهده است. مطابق قسمت آخرین ماده: «... در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

بر این اساس، تحقق سوءنیت خاص مستلزم تعلق قصد مرتکب به خود نتیجه است. اما طریقه رسیدن به نتیجه (مانند مرگ با خفه شدن، غرق شدن یا تحقق مرگ از طریق برخورد به قلب و گلو و مانند آن)، داخل در عنصر مادی نبوده و لذا قصد یا عدم قصد آن‌ها تأثیری در تحقق نیت مجرمانه نخواهد داشت.^۲ به بیان دیگر، آنچه داخل در عنصر مادی است، تنها خود نتیجه است و روش رسیدن به نتیجه جزئی از عنصر مادی نیست و لذا مطابق اصل تطابق عنصر مادی و عنصر روانی، نه آگاهی از آن لازم است و نه اشتباه در آن ضرری به عنصر روانی می‌زند (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۶۵).

آری، فردی که به دلیلی خاص، قصد کشتن قربانی را با زدن تیر به قلب او دارد،

۱. این امر در جرایم دیگر نیز صادق است. برای مثال در جرم تخریب، قصد صدمه زدن به مال متعلق به دیگری، نیت خاص مرتکب را محقق می‌سازد، هرچند مال مزبور در عمل، به طریقی غیر از آنچه مورد نظر مرتکب بوده است، تخریب گردد. لذا فردی که با زدن چوب به شیشه خودروی دیگری، خواستار تخریب کامل آن باشد، مرتکب جرم مزبور شناخته می‌شود، هرچند شیشه خودرو تنها به دو قسمت تقسیم شده و به صورت کامل تخریب نشود.

۲. قیاس این مورد با حالتی که فرد ثالثی قبل از برخورد مجنی علیه با زمین او را می‌کشد نیز صحیح نیست. زیرا در آن حالت، آنچه قتل را به عامل دوم منتسب کرده و از عامل اول منفک می‌کند، نه عنصر روانی (قصد قتل) و بلکه رابطه علیت بین رفتار و نتیجه است. به بیان دیگر، زمانی که شخص ثالثی، فرد پرتاب شده را می‌کشد، بین رفتار او و مرگ رابطه علیت برقرار می‌شود و از این باب است که قتل به عامل دوم استناد می‌یابد.

اما تیر با برخورد با سر قربانی موجب مرگ او می‌شود، زدن تیر به سر را قصد نموده است، اما آنچه برای تحقق نیت مجرمانه لازم است، تنها **قصد کشتن** است که ناظر به نتیجه مجرمانه قتل عمدی است. باید توجه داشت که در تشکیل نیت مجرمانه، انطباق کامل ذهنیت مرتکب با آنچه در عالم خارج واقع می‌گردد، شرط نیست و بلکه آنچه لازم است، **منطبق شدن نیت وی با ارکان عنصر مادی جرم** است (همان: ۲۳۵). مرتکبی که قصد قتل دارد، سوء نیت وی به نتیجه تعلق گرفته است و عدم تطابق ذهنی وی با نوع خاصی از مرگ، نافی عمد وی نخواهد بود؛ دقیقاً همانند اشتباه در هویت که هر چند مرتکب قصد کشتن فردی با هویتی دیگر (و نه با هویت مقتول) را دارد، اما چون علم وی به موضوع جرم که همان انسان زنده است، تعلق گرفته است، نیت وی در کشتن مجنی علیه، محقق و کامل است. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی نیز موید همین استدلال است. مطابق قسمت آخرین ماده، «.. در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، **قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود**».

همانطور که ملاحظه می‌گردد، قانونگذار ایرانی، صرف قصد نتیجه را مساوی با تشکیل نیت مجرمانه می‌داند. لذا فردی که قصد قتل می‌کند، مطابق ماده مزبور دارای نیت مجرمانه است؛ هر چند نتیجه مورد نظر به صورتی مخالف با تصور او واقع شود. از طرف دیگر، عبارت نظیر جنایت در قانون مجازات اسلامی منصرف از قتل عمدی است. زیرا در بحث عنصر روانی قتل عمدی، آنچه مطابق منابع فقهی و بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ مورد نیاز است، قصد کشتن قربانی و یا علم به تحقق آن است و لذا بحث تحقق **نظیر قتل** معنا نمی‌یابد. به عبارت دیگر، نمی‌توان تصور نمود که مرتکب قصد قتل داشته و نظیر قتل اتفاق افتد و یا فردی قصد تحقق نظیر قتل را داشته باشد، اما خود قتل واقع شود. زیرا، قتل دارای نظیر و مشابهی نیست که بتوان نیت ارتکاب قتل را به نظیر آن و نیت ارتکاب نظیر قتل را به خود قتل سرایت داد. به عبارت دیگر، کلمه **نظیر** در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، به کلمه **جنایت** اضافه شده و لذا منظور قانونگذار

از عبارت مزبور، نظیر جنایت است و ربطی به طریقه رسیدن به جنایت ندارد. بنابراین در جایی که مرتکب، قصد کشتن دیگری به صورت ضربه به سر او را دارد، اما تیر به قلب وی اصابت می‌کند، بحث نظیر قتل قابلیت طرح ندارد. زیرا در این حالت، نظیر قتل اتفاق نیفتاده و بلکه خود قتل واقع شده است (همان).

دیدگاه دوم: نظیر جنایت ناظر به عمدی بودن اشتباه در هدف

مطابق نظر برخی از حقوق دانان عبارت نظیر جنایت ناظر به عمدی دانستن اشتباه در هدف است. مطابق این دیدگاه: هرگاه مرتکب قصد کشتن فرد یا افراد معینی را از یک جمع داشته باشد برای مثال از میان جمعی که متشکل از پنج نفر هوبتاً معین می‌باشند، قصد کشتن "زید یا زید و عمرو" را داشته باشد ولی تیر او به خطا رفته به شخص دیگری مثلاً بکر که در کنار آنان ایستاده است، اصابت کند و به تعبیر مقنن جنایت "نظیر آن" واقع شود، این قتل نیز عمدی محسوب می‌شود. کما اینکه اگر مرتکب قصد قطع دست راست زید را داشته باشد اما هنگامی که ضربه خود را وارد می‌سازد، زید دست چپ خود را در مقابل ضربه قرار داده و در نتیجه دست چپ او قطع شود، جنایت عمدی محسوب می‌شود (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۷).

نقد و بررسی

نظر فوق قابل پذیرش نیست. زیرا قانونگذار در بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، قصد جنایت بر شخص معین را تنها در صورتی که جنایت، بر فرد مورد نظر واقع شود، عمدی دانسته است. مطابق ماده مزبور: جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود،

خواه نشود.

عبارت مزبور به این معناست که قصد قتل شخص معین و کشته شدن فردی دیگر (یعنی آنچه خطای درهدف نامیده می‌شود)، عمدی نخواهد بود. زیرا در غیر این صورت عبارت مزبور معنا نخواهد داشت. بدیهی است که اگر مرتکب، قصد کشتن^۱ افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز این امر واقع شود، در آن صورت قتل وی عمدی خواهد بود. زیرا در آن حالت، قصد کشتن یکایک آن افراد به صورت جداگانه در ذهن وی وجود داشته است. مانند آنکه تیری یا سنگی را به قصد کشتن یک یا چند نفر از یک جمع پرتاب کند و در عمل نیز فرد یا افرادی از آن جمع کشته شوند. حتی در فرضی بالاتر اگر مرتکب قصد کشتن یا صدمه^۲ به یک انسانی را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود او باشد، در صورت وقوع جنایت نسبت به هر فردی، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود. چنین فرضی موضوع بندت ماده^۳ ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی است که قانونگذار آن را عمدی دانسته است. مطابق این بند: **هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.**

بنابراین اگر قصد مرتکب، ناظر به افرادی غیرمعین از یک جمع باشد و یا قصد او به طور کلی، کشتن (یا صدمه به) انسان یا انسان‌هایی باشد، چون نیت مجرمانه^۴ وی حوزه گسترده‌ای را پوشش می‌دهد، هر فردی که در حوزه ذهنیت وی کشته شود (یا صدمه ببیند)، جنایت واقع شده به صورت عمدی به حساب مرتکب گذاشته خواهد شد. اما در صورتی که قصد مرتکب، تنها کشتن (یا صدمه به) فرد یا افرادی معین باشد، اما رفتار او بر افرادی دیگر غیر از افراد مورد نظر او وارد آید، جنایت واقع شده خطای محض است. زیرا

۱. بدیهی است که هر چند در غالب مثالهای بیان شده در متن کتاب از قتل سخن به میان آمده است، اما امر مزبور ناظر به صدمات نیز خواهد بود.

مرتکب نسبت به قربانی یا قربانیان نه قصد فعل و نه قصد نتیجه نداشته است؛ برخلاف حالت اول، که چون رفتار او بر یکی از افراد مقصود واقع شده است، قصد فعل و نتیجه وجود داشته و جنایت واقع شده، عمدی خواهد بود.

اما دلیل دوم غیرعمدی بودن اشتباه در هدف، بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی است که خطای محض را جنایتی دانسته است که مرتکب، قصد فعل واقع شده بر قربانی را نداشته باشد: **جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.**

تعریف خطای محض به این که مرتکب، فاقد قصد فعل بر قربانی (و نه صرفاً فاقد قصد فعل) است، نشان می‌دهد که در خطای در اصابت نیز آنچه واقع می‌شود، ذیل این بند قرار خواهد گرفت. زیرا در حالت اخیر نیز هر چند مرتکب قصد ارتکاب فعل بر فرد مشخصی را دارد، اما نسبت به کسی که عملاً قربانی رفتار او شده است، فاقد قصد فعل و به تبع آن فاقد قصد نتیجه است. به بیان دیگر، معیار تحقق جنایت خطای محض، عدم وجود قصد به طور کلی نیست؛ بلکه مهم آن است که قصد فعل و نتیجه بر قربانی وجود نداشته باشد. لازم به ذکر است که هر چند در انتهای بند مزبور، قانونگذار مثال خود در مورد خطای در اصابت را بین حیوان و انسان انتخاب کرده است، اما متن بند پ تردیدی نمی‌گذارد که در خطای بین دو انسان نیز همین قاعده جاری است و وجود یک مثال، حکم عام ماده را تخصیص نخواهد زد.

از طرف دیگر، بند الف ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی نیز روشن می‌سازد که عبارت، **نظیر آن** در آن ماده، ناظر به نظیر جنایت است و ربطی به نظیر قربانی ندارد و لذا مرتکب قصد ارتکاب رفتار بر قربانی را دارد و رفتار را نیز بر او وارد می‌کند؛ ولی چون قصد تحقق نتیجه واقع شده یا نظیر آن را ندارد، جنایت وی شبه عمدی خواهد بود. به موجب این بند که در مقام تعریف جنایت شبه عمدی است: هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه

قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

از این بند به روشنی پیداست که مرتکب قصد انجام فعل بر مجنی‌علیه را دارد، ولی قصد تحقق نتیجه یا نظیر آن نتیجه را ندارد. بنابراین، عبارت، نظیر آن در این بند، به معنای نظیر نتیجه قصد شده بکار رفته است؛ بدون آنکه مرتکب در برخورد رفتار خود بر قربانی به خطا رفته باشد. مؤید این استدلال آن است که قانونگذار تحقق جنایت عمدی و شبه عمدی را مستلزم قصد فعل روی قربانی دانسته است و چون در خطای در هدف، قصد فعل روی قربانی وجود ندارد، مشخص می‌شود که جنایت ناشی از اشتباه در هدف، از محدوده جنایات شبه عمدی و عمدی خارج و داخل در حوزه جنایات خطایی خواهد بود. بنابراین، بحث **نظیر جنایت**، ناظر به قصد نتیجه است و ارتباطی به قصد ارتکاب رفتار بر قربانی ندارد؛ در حالیکه در اشتباه در هدف، مرتکب فاقد قصد ارتکاب رفتار بر مجنی‌علیه است (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۴۴-۲۴۳).

از طرف دیگر چون جنایات های شبه عمدی و عمدی در قصد فعل با هم برابرند و وجه تسمیه جنایات شبه عمدی نیز همین شبیه بودن به جنایات عمدی در قصد فعل است، روشن می‌شود که در جنایات عمدی نیز مرتکب با قصد فعل روی مجنی‌علیه، رفتار را بر او وارد می‌سازد، اما برخلاف جنایات شبه عمد که طبق بند الف ماده ۲۹۱ قصد تحقق نتیجه یا نظیر نتیجه را ندارد، در جنایات عمدی مطابق ماده ۲۹۰، خواست مرتکب رسیدن به نتیجه است و در عمل نیز همان نتیجه یا نظیر آن اتفاق می‌افتد.

دیدگاه سوم: تفسیر نظیر جنایت بر مبنای گستره سوء نیت

مطابق این دیدگاه، عبارت نظیر جنایت را می‌توان بر مبنای گستره نیت مجرمانه مرتکب تفسیر نمود. بنابراین این امر در مورد قتل فاقد معنا خواهد بود (آقایی نیا، ۱۳۹۹: محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۳۶؛ مزروعی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). به بیان دیگر، آنچه در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱

قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، **نظیر جنایت واقع شده است** و این امر زمانی معنا می‌یابد که بتوان برای جنایت نظیری یافت، زیرا جنایت واقع شده در قتل، مرگ قربانی است و بدیهی است که مرگ دارای نظیر و مشابهی نیست تا بتوان قصد آن را جایگزینی برای قصد کشتن قرار داد. به عبارت دیگر، همانطور که قبلاً نیز بیان شد، کلمه **نظیر** در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، به کلمه **جنایت** اضافه شده و لذا منظور قانونگذار از عبارت مزبور، نظیر جنایت است و ارتباطی به طریقه رسیدن به جنایت ندارد.^۱ بنابراین، در بحث عنصر روانی قتل عمدی، آنچه مطابق منابع فقهی و بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ مورد نیاز است، قصد کشتن قربانی و یا علم به تحقق آن است و لذا بحث نظیر قتل معنا نمی‌یابد. به عبارت دیگر، نمی‌توان تصور نمود که مرتکب قصد قتل داشته و **نظیر قتل** اتفاق افتد و یا فردی قصد تحقق نظیر قتل را داشته باشد، اما خود قتل واقع شود، زیرا قتل دارای نظیر و مشابهی نیست که بتوان سوءنیت ارتکاب قتل را به نظیر آن و یا سوءنیت ارتکاب نظیر قتل را به خود قتل سرایت داد.

اما در جنایت بر اعضاء، این چنین می‌توان حکم قانونگذار را تصور نمود که فردی، قصد کور کردن چشم راست کسی را به دلیلی خاص داشته باشد، اما در عمل چشم چپ قربانی کور گردد یا بخواهد دست چپ او را قطع نماید، اما دست راست او قطع شود.^۲ در این حالت هر چند جنایت مورد نظر (کور شدن چشم راست یا قطع دست چپ) واقع نشده است، اما چون نظیر جنایت مورد نظر (کور شدن چشم چپ یا قطع دست راست) واقع شده است، جنایت واقع شده بر اساس بندهای الف مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات

۱. همین امر در مورد تحقق جنایت عمدی با علم نیز مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است. بنابراین، علم به جنایت واقع شده و یا نظیر آن، برای تحقق جنایت عمدی کافی خواهد بود. نک: بندهای ب و پ ماده ۲۹۰.

۲. در تحقق جنایات عمدی با علم نیز همین امر قابل تصور است. بنابراین، اگر فردی بداند که رفتار وی منجر به کور شدن چشم راست مجنی علیه می‌شود، اما چشم چپ او نابینا شود، با توجه به مطالب فوق، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود.

اسلامی شبه عمدی نبوده و بلکه عمدی خواهد بود.^۱ ماده ۲۹۰ تاب تحمل چنین تفسیری را دارد و در این حالت می‌توان گفت که **نظیر آنچه** مورد قصد بوده، واقع شده است. بنظر می‌رسد از نظر علمی نیز بتوان از این امر دفاع نمود، زیرا مرتکب، قصد رسیدن به یک نتیجه مشخص را نموده و به آن نیز رسیده است و تفاوت در قرارگیری اعضا (راست یا چپ بودن) نافی قصد او نیست.^۲

دیدگاه چهارم: تفسیر نظیر جنایت بر مبنای خفیف بودن جنایت واقع شده

مطابق دیدگاه برخی از حقوق دانان عبارت نظیر جنایت در قانون مجازات اسلامی، علاوه بر اینکه مواردی مانند قصد کور کردن چشم راست و کور شدن چشم چپ را در بر می‌گیرد، شامل جنایات خفیف تر از قصد مرتکب نیز خواهد شد. برای مثال مطابق نظر برخی از آن‌ها: **جنایت نظیر عرفاً و حکماً جنایاتی را نیز در بر می‌گیرد که مرتکب قصد داشته بر یک عضو مجنی علیه وارد کند اما بر عضو ناممائل وارد شده و با جنایت مقصود، مساوی یا از آن خفیف تر است** (ساریخانی و فضلای، ۱۳۹۸: ۲۲۱).

یکی دیگر از نویسندگان در این مورد چنین می‌نویسد: **روشن است که اگر جانی قصد جنایت بیشتری را داشت و یا می‌دانست که عمل او نوعاً موجب جنایت بزرگی می‌شود ولی در عمل جنایت کمتری پدید آمد، جنایت پدید آمده به اولویت، عدوانی و ظالمانه و دارای قصاص است زیرا نزد عرف و عقلا، اگر جنایت واقع شده**

۱. برای تفصیل این بحث، رک: محمدخانی، عنصر روانی جرم، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۳. برخی از نویسندگان نیز مصادیقی را برای عبارت (نظیر آن) بدین شرح ذکر کرده‌اند: فردی قصد دارد دست راست مجنی علیه را قطع کند ولی به طور اتفاقی ضربه شمشیر را به دست چپ او وارد کند. یا فرضی که جانی مصمم است جنایتی در حد دامغه بر مجنی علیه وارد کند لیکن در عمل در حد هاشمه وارد می‌شود (مصدق، ۱۳۹۹: ۶۲).

۲. برخی از نویسندگان بر همین مبنا معتقدند که منظور از جنایت نظیر که در بند ب و پ ماده ۲۹۱ و موارد دیگر به کار رفته، آن است که آنچه مقصود جانی بوده، واقع نشده است ولی همانند آن واقع شده است. مثلاً جانی بخواهد به دست راست تیری بزند ولی به دست چپ برخورد کند یا بخواهد انگشت سوم را قطع کند ولی انگشت دوم قطع شود که در اینصورت جنایت واقع شده چون نظیر جنایت مقصود است، عمد می‌باشد. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۸۸).

کمتر از جنایت مقصود یا کمتر از جنایت پیش بینی شده باشد، خصوصیت خاص در جنایت مقصود یا پیش بینی شده مانع از ظلمانی و عدوانی بودن جنایت واقع شده نمی‌شود. لذا در جایی که مرتکب، قصد کور کردن عمدی مجنی علیه را دارد و یا می‌داند که عمل او نوعاً منجر به کوری او می‌شود چنانچه در مقام عمل، ضربه‌اش به صورت مجنی علیه برخورد و گونه او را مجروح کند و موجب نابینایی او نشود، جراحات مذکور عمدی تلقی شده و موجب قصاص است (مزروعی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

نقد و بررسی

برای نقد این دیدگاه ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که دادرس در مواجهه با چنین مواردی نظیر جنایت را چگونه تشخیص دهد؟ آیا صرف حکم عرف به نظیر بودن یک نتیجه با نتیجه دیگر کافی خواهد بود و یا لازم است که ذهنیت مرتکب نیز جنایت نظیر و مشابه را شامل شود؟

حقیقت آن است که بحث نظیر جنایت در قانون مجازات اسلامی ارتباطی با ذهنیت مرتکب ندارد. زیرا اگر مرتکب علاوه بر جنایت مقصود، نظیر آن را نیز قصد کند، نیازی به بحث کنونی نبوده و سوءنیت مرتکب به نظیر جنایت نیز تعلق گرفته است. بنابراین، بحث حاضر زمانی معنا دارد که مرتکب قصد جنایتی خاص را داشته باشد، اما برخلاف نظر او جنایتی دیگر که البته نظیر جنایت مقصود مرتکب است، واقع می‌شود. نتیجه آنکه تعیین نظیر و مشابه جنایت مورد نظر مرتکب را باید با استفاده از عرف تعیین نمود؛ به این صورت که جنایت مورد قصد مرتکب، نظیر جنایتی باشد که در عمل واقع شده است؛ بطوری که بتوان قصد هر کدام از آن‌ها را جایگزین دیگری دانست. برای نمونه، اگر مرتکب قصد کور کردن چشم راست قربانی را داشته باشد، اما تیر او به چشم چپ بزه‌دیده اصابت کند، عرف کور شدن چشم چپ و راست را مساوی می‌داند و قصد هریک را جایگزین دیگری به حساب می‌آورد.

با توجه به آنچه گفته شد، معیار تشخیص نظیر جنایت، حکم عرف بر یکسانی و مشابهت جنایت مقصود و جنایت واقع شده است و شدت یا خفت جنایت واقع شده از جنایت مقصود ارتباطی به بحث حاضر نخواهد داشت. بنابراین، اگر مرتکب قصد کور کردن چشم قربانی را داشته باشد، اما تیر او به انگشت دست بزه دیده برخورد کرده و آن را قطع کند، نمی‌توان با این استدلال که قطع انگشت خفیف‌تر از کور شدن چشم است، جنایت را عمدی دانست. زیرا عرف جامعه کور شدن چشم و قطع انگشت را مشابه نمی‌داند و قصد هریک را به جای دیگری کافی نمی‌داند.

به بیان دیگر، آنچه از ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی استنباط می‌شود، تأثیر شباهت بین دو نوع جنایت در تحقق جنایت عمدی است؛ بدون آنکه شدت و ضعف بین آن‌ها تأثیری داشته باشد. چنین امری از نظر علمی نیز قابل دفاع است. زیرا شدت و خفت بحثی مربوط به عنصر مادی است و نباید تأثیری در عنصر روانی داشته باشد؛ برخلاف بحث مشابهت و نظیر که چون جنایت مقصود مرتکب مشابه جنایت واقع شده است، قصد هر یک از آن‌ها را می‌توان جایگزین دیگری دانست. آری جنایات خفیف‌تر را تنها در یک صورت می‌توان عمدی دانست و آن زمانی است که مرتکب تحقق جنایت خفیف‌تر را نیز پذیرفته باشد، بنابراین اگر فردی که قصد کور کردن چشم دیگری را دارد، صدمات وارده به صورت را نیز در ضمن قصد خود پذیرفته باشد، جنایات وی نسبت به صورت قربانی نیز عمدی خواهد بود. بدیهی است که عمدی دانستن جنایت در این حالت، نه به دلیل شمول عبارت «نظیر جنایت» بر آن و بلکه به علت پذیرش نتیجه توسط مرتکب است، زیرا اگر فردی رفتاری را اراده کند و تمامی نتایج و پیامدهای آن را بپذیرد، جنایت وی عمدی خواهد بود.

برآمد

عبارت نظیر جنایت در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ربطی به روش تحقق جنایت ندارد و لذا اگر فردی قصد کشتن دیگری به صورتی خاص را داشته باشد، اما در عمل قربانی به صورت دیگری کشته شود، جنایت واقع شده عمدی خواهد بود و چنین امری ارتباطی با بحث نظیر جنایت ندارد. زیرا برای تشکیل عنصر روانی، تنها تعلق عنصر روانی مرتکب به نتیجه، مورد نیاز است و قصد روش خاصی از تحقق جنایت جزئی از عنصر روانی محسوب نخواهد شد که تحقق جنایت به روشی دیگر بتواند عمدی بودن آن را منتفی سازد. از طرف دیگر، بحث نظیر جنایت از آنچه اشتباه در هدف نامیده می‌شود نیز متفاوت است و نمی‌توان با استناد به عبارت نظیر جنایت در قانون مجازات اسلامی، جنایت ناشی از اشتباه در هدف را عمدی دانست. زیرا اولاً عبارت نظیر جنایت، ناظر به شبیه و نظیر جنایت ارتكابی است و ربطی به خطای در هدف ندارد. زیرا در خطای در هدف شبیه جنایت مورد نظر واقع نمی‌شود و بلکه همان جنایت یا کمتر از آن واقع می‌شود؛ حال آنکه عبارت نظیر جنایت باید شبیه جنایتی که مورد نظر مرتکب بوده است واقع گردد. مانند قصد کور کردن چشم چپ مرتکب و برخورد تیر به چشم راست قربانی و نابینا ساختن آن. از طرف دیگر با توجه به بندهای الف و ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و نیز بند پ ماده ۲۹۲ همان قانون، جنایت ناشی از اشتباه در هدف، جنایتی غیرعمدی محسوب می‌شود و نمی‌توان تصور نمود که قانونگذار جنایت ناشی از اشتباه در هدف را همزمان در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، عمدی و غیرعمدی بداند.

اما مطابق نظر سوم که مختار مقاله حاضر است، عبارت نظیر جنایت در بحث قتل عمدی معنا نخواهد داشت. زیرا قتل نظیر و مشابهی ندارد که قصد قتل بتواند جایگزین آن شود و یا قصد آن نظیر بتواند جای قصد قتل را بگیرد. بنابراین، نظیر جنایت تنها در جنایت بر اعضا قابل تصور است؛ به این صورت که اگر مرتکب قصد از بین بردن عضوی را داشته باشد، اما عضو مشابهی نابود گردد، جنایت وی عمدی خواهد بود. مانند آنکه

مرتکب به سمت دست چپ قربانی شلیک کند، اما به دلیل عدم مهارت یا تکان خوردن قربانی، تیر به دست راست او اصابت نماید که در این فرض، هرچند مرتکب اصابت تیر به دست راست قربانی را قصد نکرده است، اما چون خواهان صدمه به مشابه و نظیر آن (دست چپ)، بوده است، جنایت وی عمدی خواهد بود.

همچنین، مطابق دیدگاه برخی از حقوق دانان عبارت نظیر جنایت در قانون مجازات اسلامی، علاوه بر اینکه مواردی مانند قصد کور کردن چشم راست و کور شدن چشم چپ را در بر می‌گیرد، شامل جنایات خفیف‌تر از قصد مرتکب نیز خواهد شد. این دیدگاه نیز قابل پذیرش نیست، زیرا معیار تشخیص نظیر و مشابه یک جنایت عرف است و نمی‌توان در این مورد به ذهنیت مرتکب رجوع نمود. به بیان دیگر، فرض بر این است که در این حالت، مرتکب قصد ایراد جنایت خاصی را داشته است، اما جنایتی مشابه آن بر خلاف نظر وی واقع شده است. نتیجه آنکه در این حالت لازم است که به عرف رجوع نمود؛ به این صورت که عرف، بین جنایت مقصود مرتکب و جنایت واقع شده چنان مشابهتی باشد که عرف قصد تحقق هریک از آن‌ها را به جای دیگری کافی بداند. بنابراین، شدت و خفت جنایت مقصود و جنایت واقع شده تأثیری در موضوع ندارد و اگر مرتکب قصد ارتکاب جنایتی شدید را داشته باشد، اما جنایتی خفیف و غیرمشابه آن واقع شود، نمی‌توان جنایت را با این استدلال که چون مرتکب قصد ایراد جنایتی شدیدتر از آنچه را که واقع شده است، داشته است، جنایت واقع شده عمدی است. زیرا آنچه مطابق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی جنایت را عمدی می‌سازد، مشابهت بین دو نوع جنایت است؛ بدون آنکه شدت و خفت بین آن‌ها تأثیری داشته باشد و لذا دیدگاه چهارم که علاوه بر تفاوت در محل اعضاء (مانند چشم چپ و راست)، عبارت نظیر جنایت را شامل جنایات خفیف‌تر از قصد مرتکب می‌داند نیز پذیرفتنی نیست.

منابع

- آقای‌نیا، حسین، **جرایم علیه اشخاص، جنایات**، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- ابن‌براج، **المهذب**، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۶.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، **جرایم علیه اشخاص، قتل**، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- خمینی، روح‌الله، **تحریر الوسيله**، ج ۲، الطبعة الثانية، نجف، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۰.
- خویی، ابوالقاسم، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۲، الطبعة الثانية، قم، المطبعة العلمیه، قم، ۱۳۹۶.
- ساریخانی، عادل و فضلی، مهدی، جنایت نظیر و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۸، ۲۲۶-۱۹۱.
- شهید اول، **القواعد و الفوائد**، ج ۱، قم، مکتبه المفید، بی‌تا.
- شهید ثانی، **مسالك الافهام**، ج ۱۵، بی‌جا، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶.
- صادقی، محمد هادی، **جرایم علیه اشخاص**، چ بیستم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- طوسی، محمد بن حسن، **الخلافا**، ج ۵، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷.
- قانون مجازات اسلامی در پرتو نظرات شورای نگهبان**، تهران، ویرایش سوم، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶.
- فاضل اصفهانی، **کشف اللثام**، ج ۱۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا.
- مرادی، حسن، **جرایم علیه اشخاص**، جنایات، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- محقق حلی، **شرایع الاسلام**، ج ۴، تحقیق از سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹.
- محمدخانی، عباس، **عنصر روانی جرم**، ج ۱، کلیات عنصر روانی - عنصر روانی جرائم عمدی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.

محمدخانی، عباس، *عنصر روانی جرم*، ج ۲، جرائم غیرعمدی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۷.

مزروعی، رسول، *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، مبحث قصاص، تحت اشراف آیت الله هاشمی شاهرودی، انتشارات موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۹۴.

مصدق، محمد، *شرح قانون مجازات اسلامی (قصاص) با رویکردی کاربردی*، جلد چهارم، انتشارات جنگل، چاپ سوم، سال ۱۳۹۹.

میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*، انتشارات میزان، چاپ ۲۹، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۴۴.

نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، ج ۴۲، تحقیق شیخ محمود قوچانی، الطبعة الثالثة، بی جا، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.